

میدون و سوفیا

چرا اصفهان آب ندارد؟



✚ پوریا عالمی

– مسئولان دیدند زاینده‌رود که خشک است، مصرف می‌کنند نه برق، تابستان‌ها هم کولر روشن نمی‌کنند، تصمیم گرفتند آب آنها را بگیرند بدهند به اینها.

– مسئولان دیدند زاینده‌رود که خشک است، مادی‌های اصفهان هم که سال‌هاست از بین رفته، آب اصفهان را هم که سال‌هاست می‌برند این‌ور و آن‌ور، از طرفی اصفهانی‌ها هم که مهربان هستند، گفتند با قطع آب از مهربانی آنان قدردانی کنند.

– بعضی از مردم هم البته آب بی‌رویه مصرف می‌کنند و مسواک که می‌زنند، شیر آب را باز می‌گذارند؛ به همین دلیل آب اصفهان قطع شد.

– ولی واقعا عجیب است. اصفهان وسط کویر است و آبش قطع شد.

– اینکه ۱۰ درصد کل آب مصرفی کشور مربوط به آب شرب است و ۹۰ درصد حیف و میل آب در کشاورزی غیرعلمی و صنعت بی‌استاندارد اتفاق می‌افتاد، ثابت می‌کند باید ۱۰ درصد آب شرب را قطع کنیم.

– کاشت هندوانه یعنی ازبین‌رفتن آب؛ محصولی که توجیه اقتصادی ندارد. هندوانه هم که در نهایت با استفاده از ده تا لگن آب تبدیل می‌شود به یک گوی آبکی حاوی یک سطل آب. برای همین قرار شده مسئولان آب شرب کشور را قطع کنند و آب را هندوانه کنند و بعد هندوانه را بین مردم توزیع کنند. این‌طوری هم شغل ایجاد کرده‌اند، هم آب را قطع کرده‌اند، هم پدر کشاورزی و زمین درآمده و همه بگدست می‌شویم.

– از طرفی یکسری می‌گویند اگر زاینده‌رود آب نداشته باشد، ما افسرده می‌شویم. پاسخ قاطع ما این است که عزیزان، شیلنگ خانه‌تان هم آب ندارد. حالا جرئت دارید، افسرده شوید.

سوفیا... سوفیا... این را که کشور بحران آب دارد، باید هر روز به مسئولان و مدیران مملکت تذکر داده بشود تا بدانند که آب هم قطع است. تو هم به بابات بگو آب قطع است، این‌قدر برای آینده تو تصمیم الکی نگیرد.

عاشق آبکی تو؛ میدون دوم

تکته

توران خانم

● فیلم توران خانم به مدت ۴۸ ساعت از شبکه اینترنتی هاشور پخش می‌شود و تمام درآمد حاصل از فروش فیلم به شورای کتاب کودک و دانشنامه فرهنگ‌نامه کودکان و

نوجوانان اختصاص پیدا می‌کند. این فیلم یکی از فیلم‌های مجموعه کارستان است که به زندگی توران میرهادی اختصاص دارد و مجتبی میرتهماسب کارگردان آن است. این فیلم فرصتی مناسب برای آگاهی از زندگی کسی است که برای آموزش صلح به کودکان تلاش و سعی کرد دنیایی متفاوت را پیش‌روی بسیاری از مادران بگشاید. پیشنهاد سازندگان فیلم این است: «فیلم ببینیم و بر آینده کودکان این سرزمین شریک باشیم».

روز جهانی صنایع دستی

● روز گذشته، ۲۰ خرداد، روز جهانی صنایع دستی بود؛ روزی برای ارج‌نهادن به آثاری هنری که بازگوکننده روح ملت‌ها و اقوام است.
باین‌حال این روز که از هشت سال پیش با این عنوان شناخته می‌شود، در تقویم سالانه رسمی سازمان ملل ثبت نشده است. صنایع دستی، به مجموعه‌ای از هنرها و صنایع گفته می‌شود که محصول آنها با استفاده از مواد اولیه بومی و به کمک دست و ابزار دستی ساخته می‌شود. ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر در محصول صنایع دستی تجلی پیدا می‌کند و همین عامل به وجه تمایز محصولات آن از ساخته‌های ماشینی و کارخانه‌ای بدل می‌شود. کشور ایران در سال ۲۰۱۰ پیشنهاد کرد که روز ۱۰ ژوئن (۲۰ خرداد) به این نام شناخته شود و شورای جهانی صنایع دستی با WCC که سازمانی غیرانتفاعی است و وابسته به یونسکو این روز را به‌عنوان روز بزرگداشت صنایع دستی و صنعتگرانی که در این حوزه کار می‌کنند، پذیرفت.
شورای جهانی صنایع دستی در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ خورشیدی) توسط آیلین آژبورن وب در نیویورک با هدف ارتقای جایگاه صنایع دستی، تقویت ارتباط میان هنرمندان صنایع دستی سراسر جهان، تشویق، یاری‌رسانی و ارائه مشاوره به آنان در حوزه شیوه‌های درآمدزایی، کاربردی و به‌رورکردن صنایع دستی در عین حفظ میراث گذشکان و استفاده از فناوری‌های مدرن در راستای دستیابی به بازارهای جدید بنیان‌گذاری شده است. این شورا اکنون ۹۰ کشور جهان را تحت پوششش دارد و دبیرخانه آن در شهر آمستردام هلند است. کشور ایران از سال ۱۳۴۷ به عضویت این شورا درآمده است.

شترخوار

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۷ • ۲۶ رمضان ۱۴۳۹ • ۱۱ ژوئن ۲۰۱۸ • سال یازدهم • شماره ۲۱۶۷ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

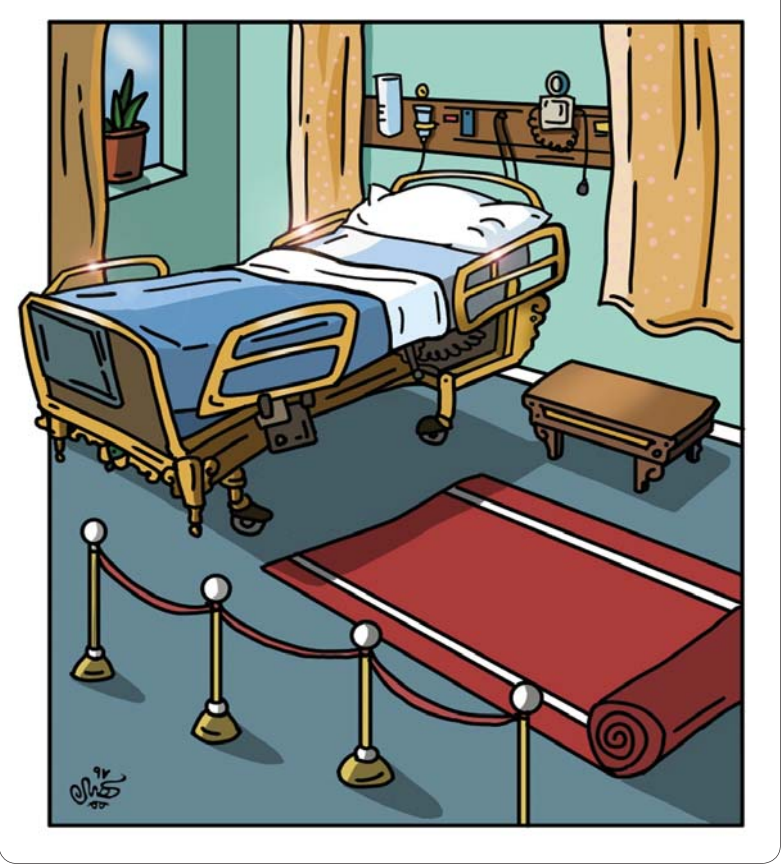
روزنفر۱۸

کارتون خواب

سهیل محمدی



تخت های شبی ۷ میلیون تومانى از بخش VIP بیمارستان های خصوصی جمع آوری خواهند شد.



خبر به وقت شبکه‌های اجتماعی

نماینده نگذاشت

کسر خواهد شد، هیچ حکمی برای بازنشتستگی طرقدارانسی که با نام دلواپس شناخته می‌شوند، تلاش عمدۀای را برای رد لایحه FATF آغاز کرده بودند. آنان با هشتک #نماینده_ام_نمی‌گذارذ، در اعتراض به این لایحه تلاش می‌کردند. حتی عده‌ای نیز جلوی دفتر لاریجانی در قم رفتند تا اعتراض خود را نسبت به این لایحه عنوان کنند؛ لایحه‌ای که کارکردن آن است. این فیلم فرصتی مناسب برای آگاهی از زندگی کسی است که برای آموزش صلح به کودکان تلاش و سعی کرد دنیایی متفاوت را پیش‌روی بسیاری از مادران بگشاید. پیشنهاد سازندگان فیلم این است: «فیلم ببینیم و بر آینده کودکان این سرزمین شریک باشیم».



پول‌شویی) بود که بعد از اعتراض و مخالفت گروهی از نمایندگان به مدت دو ماه به تصویب افتاد. بعد از برجام و برداشته‌شدن تحریم‌های سوبیفت، عملا راه برای مرارده بانکی ایران با دنیا بسته بود. به دلیل همین FATF حالا باید منتظر باشیم که کوچک‌ترین اقدامات متقابل حتی با مؤسسات مالی کوچک هم از بین برود و بابک‌زنجانی‌ها و خاوری‌های دیگری رشد کنند و زیاد شوند. تنها ه هفته تا پایان مهلت این نهاد جهانی به ایران باقی مانده است. اعتراضات گسترده و درعین‌حال خوشحالی اندکی با تعویق دوماهه در شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است.

● اظهارنظرها درباره چهره‌های قدیمی ادامه دارد؛ از بهروز وثوقی تا جواد یساری. به‌خصوص اما پخش فیلمی که از ملک‌مطیعی ضبط شده، اما پخش نشده بود. میزان، خبرگزاری قوه قضائیه، اطلاع داد فردی که با موبایل و به شکل غیرقانونی برنامه ملک‌مطیعی را ضبط کرده و در اختیار شبکه‌های ماهواره‌ای قرار داده، شناسایی شد.

● اعتراض به حکم معلمی که موی ۹ دانش‌آموز را در قسا با قیچی کوتاه کرده نیز به‌شدت ادامه دارد. رئیس آموزش‌وپرورش قسا گفت: «حکم معلم قسا این هفته صادر و او محکوم به تنزل یک گروه یا طبقه شغلی به مدت یک سال شد. تنزل یک طبقه شغلی به مدت یک سال، یعنی به مدت یک سال ماهی ۶۰ هزار تومان از حقوق این معلم

۱. چند سالی است از معجون جدیدی به نام مهندسی اقلیم سخن گفته شده و هرازچندگاهی از کشفی مجیرالعقول برای تغییر مسیر باد، بارورکردن یا زیایش ابرها، سامانه جذب بارش، هارپ و نظایر آن رونمایی می‌شود. گروهی از طرفداران همیشگی پندارینه‌پردازان توهم‌توطئه در داخل نیز پیوسته زنهار، هشدار و اولتیماتوم می‌دهند که تمام مشکلات خشک‌سالی، گرمای هوا، کاهش ریزش‌های آسمانی و... را استکبار جهانی هدایت، راهبری و اجرا می‌کند. به هیچ‌گاه نیز برای آنها این پرسش پیش نیامده که اگر واقعا تکنیک‌ها، شگردها و ابزاری برای افزایش ریزش‌های آسمانی وجود دارد، چرا بخش‌های بزرگی از آمریکا و اسرائیل باید یک دوره خشک‌سالی دشوار را تجربه کنند؟

۲. در آن سوی بام هم هستند افرادی که با شور و شغف فراوان، از پایان دوره خشک‌سالی در ایران خبر داده و با دقتی شگفت‌آور، حتی میزان افزایش بارندگی

آکادمی

سیاست و سالمندی



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

«ماهانیر محمد» در ۹۲سالگی با اقداماتی متهورانه به قدرت بازگشت. «رابرت موگابه» در ۹۳سالگی از قدرت برکنار و حصر خانگی شد و مشخص نیست مجدداً به قدرت بازمی‌گردد یا خیر. «بوش پدر» که از ۹۴سالگی عبور کرد، چهار سال قبل با جتر از هواپیما پایین آمده بود. «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور دو دوره قبل از او، اخیراً برای ماینجگرپی به کره‌شمالی سفر کرد؛ او هم از ۹۳سالگی عبور کرده، «آیت‌الله جنتی» در ۹۲سالگی هنوز برخی مشاغل بالای خود را بر عهده دارد و دهه‌ها مورد دیگری که می‌توان مثال زد. مواضع سیاسی آنها موضوع این یادداشت نیست.

موضوع این یادداشت اشاره‌ای است به بهترین توان دانش طب، آنجا که می‌تواند و باید بالاترین توان خود را به نمایش بگذارد. سلامت و فعالیت سیاستمداران پیش‌گفته سند روشنی است در اثبات توانایی بی‌نظیر دانش طب در بهبود کیفیت حیات. دانشی که تنها در ۵۰ تا صد سال گذشته این توانایی را کسب کرده و تا پیش از آن با وجود پیشرفت‌های فراوان، چنین تحول شگفت‌آوری در چشم‌انداز آن نبود. دنیا هنوز از یاد نبرده که رئیس‌جمهور آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم دست‌خوش فلج اطفال شد و با صندلی چرخ‌دار در کنفرانس تهران شرکت کرد. چنین اتفاقی دیگر برای هیچ‌کس در تاریخ رخ نخواهد داد. فلج اطفال ریشه‌شکی و واکنیاسیون آن هم سال‌هاست متوقف شده. «استالین» رهبر روسیه مدت کوتاهی بعد از پایان جنگ بر اثر خورنوزی مغزی ناشی از عدم کنترل فشار خون درگذشت. الان پزشکان مخصوص کرملین قطعاً فشار خون احتمالی آقای «پوتین» را با بهترین داروها کنترل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند هر شب تا چهار و پنج صبح با دوستان میگساری کند و تنها سه، چهار ساعت آن هم روی نیمکتی در باغ یا در تراس بخوابد. سومین شرکت‌کننده یعنی «چرچیل» بسیار لنگ‌لنگان و به زور و زحمت به ۸۹، ۹۰سالگی رسید. قطعاً اگر ضررات دخانیات در آن زمان مثل امروز برای همه روشن بود و ممنوعیت آن هم مثل حالا رواج داشت و کارمندان خانه شماره ۱۰ خیابان داونینگ‌استریت، ویسکی اسکاچ را از دم دست صدراعظم برمی‌داشتند، شاید جناب ایشان هم در ۹۰سالگی به جای مردن یک کار دیگر می‌کرد؛ مثلاً پرش از ارتفاع یا چه می‌دانم جت‌اسکی! هم آن زمان و هم حالا سیاست‌مدارانی در این رده‌ها مجبورند حتی برخلاف خواسته خود پروتکل‌هایی را برای حفظ سلامتی‌شان رعایت کنند. بنابراین سلامتی و طول عمر ایشان بیش از هر چیز نشان‌دهنده هسته‌هایی واقعی و مفید در تصورات پزشکی دوران ماست. «جان اف کندی» هم پروتکل‌های پیشنه‌هایی برای سلامتی خود را به شدت رعایت می‌کرد، اما این پروتکل‌ها در واقع نظریات رایج دوران درباره جزئیات فعالیت‌های روزانه بود که پیش‌تر توسط خانمی در هفت جلد تدوین شده بود و از قطر دهمایی تا زاویه پشتی صندلی و تعداد کوفچه‌فرنگی مجاز در غذای هفتگی و... همه را شامل می‌شد. برخی معتقدند تنها تئور بود که توانست او را از شر این خانم‌ها کند؛ می‌توان نتیجه گرفت که تصورات پزشکی دوران ما بسیار واقعی‌تر و درست‌تر هستند و توانسته‌اند طول عمر و کیفیت حیات بشر را کاملاً متحول کنند و در جایی که مشکل مالی و سایر محدودیت‌ها وجود ندارد، یعنی در درمان سیاستمداران رده‌بالا، این موضوع را واضح نشان داده‌اند. تازه این سیاستمداران اکثراً دوران کودکی و نوجوانی خود را در زمانی گذرانده‌اند که هنوز فلج اطفال بیداد می‌کرد، سیگار در اماکن درسته رایج بود و عقاید شبه‌علمی خرافی نظیر عقاید «طبیعی‌کندی» به شدت رواج داشت.

معلوم نیست طول عمر نخست‌وزیر کانادا یا فرانسه و همچنین بسیاری از دیگر جوانان اروپایی که از ابتدا تمام دستورات بهداشتی واقعی را رعایت می‌کنند و هر روز مقدار معتدایی مسافت را با می‌وند یا دوچرخه‌سواری می‌کنند تا چه حد خواهد بود؟ این واقعیت غیرقابل تردید معانی متعدد دیگری هم دارد؛ اولاً دانش طب رو به آینده است، سنت‌ها یا آنچه طب سنتی می‌خوانند به‌خودی‌خود و بدون آخرین یافته‌های علمی هیچ جایی ندارند. سنت‌های طبی بدون پیشرفت رو به جلو تا همین چند ده سال پیش نقش چندانی در تطویل حیات بشر نداشته‌اند. ثانیاً آلزایمر یک بیماری است مثل سرطان، سکنه قلبی و... که با بالا رفتن سن و حیات طولانی‌تر تنها شیوع آن بیشتر می‌شود؛ سالمندی برابر با آلزایمر نیست. اگرچه فرهمندی به شکل دیدن کلیات و باطن رویدادها در برابر جزئیات و رویه حوادث و دیدن آینده در خشت خام هم در سالمندی مشاهده می‌شود، اما از آنجا که در ۹۰سالگی نیمی از مردم دچار آلزایمر هستند و این بیماری هم در ابتدا ممکن است از ظاهر افراد آشکار نباشد، این احتمالاً چالشی در آینده پدید خواهد آورد. به‌خصوص که در آلزایمر، بیمار به مرور و در سالیان یاد می‌گیرد که چگونه فراموشی خود را دور بزند یا پنهان کند. تاثلتا تمام جوامع باید آمادگی هرچه‌بیشتر برای درمان بیماری‌های دوران سالمندی به‌خصوص آلزایمر و سکنه مغزی را داشته باشند. بهایی که جامعه برای درمان یا نگهداری از این بیماران می‌پردازد بهای نگهداری از خودش خواهد بود و نه غیر!

سلام به فردا

لطفا به اقلیم ایران دست نزنید؛ اشکال از گیرنده‌هاست!

محمد درویش

اقلیم و دست‌کاری‌های مصنوعی برای افزایش ریزش‌های آسمانی، ترساندن مردم در فروغلتیدن به دوره خشک‌سالی ۳۰ساله یا امید واهی دادن به پایان خشک‌سالی‌های درازمدت در ایران نیز حل نخواهد شد. زنان و مردانی که چند هزار سال است در این سرزمین تاب آورده‌اند، ظاهراً بهتر از فرزندان مغرور یا آزمند خود دریافته بودند فقط باید سالانه تا ۴۰ میلیارد مترمکعب از ذخایر آب شیرین مملکت را در بخش‌های گوناگون مصرف کرده و بقیه را اختصاص به حقایقه طبیعت داد تا به‌عنوان بستر تولید، کیفیت و بالندگی اقتصادی را تضمین کند.

۶. نتیجه آنکه لطفا به گیرنده‌های اقلیمی کشور دست‌درازی نکنید، آنها اختلالی ندارند؛ اختلال در افرادی است که با قاطعیت اقلیم آینده ایران را پیش‌بینی می‌کنند؛ افرادی که یا متوهمی نادان هستند یا کلابرداری دلال؛ چراکه ویژگی بارز زیستن در مناطق خشک، غیرقابل‌پیش‌بینی‌بودن اقلیم آن است.

یادداشت

لزوم تقویت رویکرد اجتماعی در آموزش‌وپرورش



سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

اتفاقی را که اخیراً در مدرسه‌ای در تهران افتاد، از چند زاویه باید بررسی کرد. زاویه اول اینکه این نه اولین مورد است و نه آخرین. فقط هم در ایران نیست، معمولاً این نوع اتفاقات در محیط مدرسه‌ها پیش می‌آید؛ البته قصد ندارم آن را تأیید کنم. اتفاقی که افتاد به چند دلیل قابل‌توجه و قابل‌تأمل است. دلیل اول اینکه در محیطی اتفاق افتاد که جزء محیط‌های مورد وثوق همه مردم است؛ یعنی محیط مدرسه که ما فرزندان‌مان را به آن می‌سپاریم. نکته دوم که در این مورد خاص خیلی اهمیت پیدا کرد؛ اینکه آنها در سنی بودند که نمی‌توانیم بگوییم نمی‌دانستند چه اتفاقی می‌افتد. نکته سوم اینکه چه اتفاقی افتاده است که ۱۵ یا ۱۶ نفر سکوت کرده‌اند؟ چه چیزی بین آن فرد و آن دانش‌آموزان بود که آنها حاضر نبودند درباره‌اش بگویند؟ نکته چهارم در خود مدرسه است. چگونه مدیر مدرسه و معلم‌ها متوجه نشده‌اند و همچنین چگونه خانواده‌ها متوجه نشده‌اند؟ وقتی افراد مورد تعرض قرار می‌گیرند، به دلیل فشارهای روانی و ترسی که دارند، رفتارهایی رفتارهای عادی نخواهد بود. ظاهراً بالاخره یکی از خانواده‌ها متوجه شده است و بعد بقیه پی برده‌اند. این موضوع چند ویژگی داشت و آن‌قدر حساس شد که مقامات بالا هم در آن ورود کردند. اما آنچه باید بپذیریم، این است که اگرچه همه ناراحت شده‌اند، این اتفاقی است که افتاده و نه اولی است و نه آخری. آموزش‌وپرورش باید چند کار انجام دهد. اول اینکه رسماً عذرخواهی کند. دوم، باید برخورد‌های قانونی را با مدرسه انجام دهد. سوم اینکه برای افکار عمومی راجع به این اتفاق و اقداماتی که انجام داده است، اطلاع‌رسانی شفاف انجام دهد تا افکار عمومی قانع شود. این بهانه‌ای شد تا آموزش‌وپرورش برای موضوع تقویت برنامه‌های اجتماعی در مدارس و تقویت رویکرد اجتماعی، تدبیر جدیدی اتخاذ کند. به نظر من آموزش‌وپرورش با اقدامات فعلی نمی‌تواند نقش خود را در جامعه‌پذیری افراد و بالابردن سواد اجتماعی مردم به درستی ایفا کند. این غفلت به نظر من دیرینه‌است و مربوط به دیروز و امروز نیست و اگرچه در یکی، دو سال اخیر حرکت‌هایی شروع شده ولی با توجه به اهمیت و جایگاه آموزش‌وپرورش در حد قابل‌قبولی نیست. آموزش‌وپرورش باید نظارت جدی‌تری بر این مدارس از شیوه‌های مختلف اعمال کند. اگر مددکاری اجتماعی در مدارس وجود داشته باشد، راحت‌تر می‌توان این مسائل را شناسایی کرد و مداخلات و حمایت‌های به‌موقع را انجام داد.

نکته دیگر به خانواده‌ها مربوط می‌شود. این افراد، خود قربانی هستند. البته باید بررسی شود که چه چیزهایی باعث شده است که این بچه‌ها درگیر این موضوع شوند و چرا به‌موقع به خانواده‌ها نگفتند. اما درست نیست که بر سر قربانی زده شود یا او را تحقیر یا سرزنش کرد. این بچه‌ها نیازمند حمایت روانی-اجتماعی هستند. حتی خانواده آنها نیز به چنین حمایتی نیاز دارند و ما در انجمن مددکاران این آمادگی را داریم که اگر آموزش‌وپرورش بخواهد، بسته خدمات مددکاری اجتماعی را در اختیار این خانواده‌ها و دانش‌آموزان و حتی مدرسه قرار دهیم. درحال‌حاضر آن مدرسه هم انکتش‌نما شده است و دانش‌آموزان آن مدرسه در امروز ممکن است مورد شک خانواده‌ها یا آشنایان قرار بگیرند. بنابراین بچه‌ها و خانواده‌هایی که جزء این تعداد نبوده‌اند نیز نیازمند توجه هستند. درعین‌حال این بنیاد زمینه‌ای را فراهم کند که سختگیری بر این بچه‌ها بیشتر شود. یکی از نگرانی‌های من این است که این اتفاق، کنترل شدیدیتر خانواده‌ها یا مدرسه بر بچه‌ها در به دنبال داشته باشد که خود این هم تبعات دیگری دارد.

ا سوزی دیگر، موضوعی که باید فراموش شود این است که در دوران بلوغ هستیم و بچه‌ها در این سن نیازمند داشتن اطلاعاتی هستند در این مورد که دوران بلوغ را چگونه به درستی سپری کنند. باید دوران بلوغ را جدی‌تر بگیریم و آموزش درست و اطلاعات درست را در اختیار بچه‌ها بگذاریم. ممکن است بچه‌ها اطلاعات داشته باشند اما فرق بین اطلاعات و اطلاعات درست مهم است. اگر بچه همان بار اول که در این درخواست از او می‌شد، این‌قدر شهادت داشت و از مهاترات ارتباطی برخوردار بود که نه بگوید یا بعد دچار ترس نمی‌شدد و این را به مدیر یا به والدین می‌گفت، کار به اینجا نمی‌کشید. به‌نظر من نباید اجازه داد این موضوع بهانه‌ای برای تخریب آموزش‌وپرورش یا معلمان شود. من همچنان اعتقاد دارم که آموزش‌وپرورش یکی از سالم‌ترین محیط‌های اجتماع است و بعضی از این اتفاقات را نباید به همه آموزش‌وپرورش تعمیم داد. در عین حال، آموزش‌وپرورش هم باید بپذیرد که این اتفاقات اعتماد مردم را نسبت به آن نهاد کم می‌کند و باید صورانه این اعتماد را برگرداند. نه مقاوم‌ت کند و نه ن‌گارد بگیرد یا توجیه کند. بپذیرد و عذرخواهی کند و تدابییری اتخاذ کند که این اتفاقات بعد از این کمتر بیفتد.

نشست

به ارائه پژوهش‌های کاربردی خواهند پرداخت. این نشست به مناسبت روز جهانی مقابله با کار کودکان در روز ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) از ساعت ۱۵ تا ۱۸:۳۰ در سالن شیریتی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به نشانی بزرگراه جلال‌آل احمد، پل گیشا (نصر)، جنب دانشکده تربیت‌مدرس برگزار خواهد شد.

حذف‌بدترین اشکال کار کودک

نشست تخصصی بررسی موانع و راهکارهای حذف بدترین اشکال کار کودک، روز سه‌شنبه، ۲۲ خرداد، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. در این نشست، مهندس احمدرضا پرنده (مدیرکل آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه

حذف‌بدترین اشکال کار کودک

اجتماعی)، دکتر حسین راغفر (اقتصاددان)، دکتر حمزه امیر زربانی (حقوق‌دان)، دکتر مروئه املقی (پژوهشگر و استاد دانشگاه) و خانم میثرا امام (مدیریت پنل و مسئول انجمن پرنده درخت کوچک) حضور خواهند داشت و انجمن دوستاران کودک پوشش، انجمن یاری کودکان در معرض خطر و جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع)